



## افعال ثنائی مجرد و ثنائی مزید

فعل هایی که صیغه‌ی «**سوم شخص مفرد ماضی شان**» (للغائب) فقط از سه حرف

«**ثنائی مجرد**»



**اصلی** (ریشه) تشکیل شده‌اند.

**مثال:** «خَرَجْتُ، نَصَرْتُ، يَجْلِسُونَ، اُكْتُبِي»: که صیغه‌ی «للغائب ماضی شان» به ترتیب:

← «خَرَجَ، نَصَرَ، جَلَسَ، كَتَبَ» است که فقط ۳ حرف است.

فعل هایی که در صیغه‌ی «**سوم شخص مفرد ماضی شان**» (للغائب) علاوه بر سه حرف

«**ثنائی مزید**»



اصلی شان حداقل **یک یا دو و حداکثر سه حرف زائد** داشته باشند.

**مثال:** «أَخْرَجْتُ، اِكْتَسَبْتُ، يَتَعَاوَنُونَ، اِسْتَقْبَلِي» که صیغه‌ی «للغائب ماضی شان» به ترتیب:

← «أَخْرَجَ، اِكْتَسَبَ، تَعَاوَنَ، اِسْتَقْبَلِ» است که بیش از ۳ حرف است.



**۱) افعال ثنائی مجرد دارای وزن های «سماعی (شنیداری)» هستند.** [باید اونها رو حفظ کرد مثل افعال بی قاعده انگلیسی]

**۲) فعل های ثنائی مزید از «۸ باب» تشکیل شده‌اند که «ماضی، مضارع، أمر و مصدر» این باب‌ها همواره دارای وزن های**

**مشخصی می‌باشد.** (قیاسی هستند) [حفظ وزن باب‌ها خیلی راحتند کافی است چند بار تکرار کنید و چند فعل را در هر باب

صرف کنید]

## جدول باب های مزید و روش تشخیص آن ها

باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر	حروف زائد
اِسْتَقْبَلُ	اِسْتَقْبَلْتُ: استقبال کرد	يَسْتَقْبِلُ: استقبال می کند	اِسْتَقْبِلْ: استقبال کن	اِسْتِقْبَالُ: استقبال کردن	ا، س، ت
اِفْتَعَلَ	اِفْتَعَلَ: کشف کرد	يَفْتَعِلُ: کشف می کند	اِفْتَعِلْ: کشف کن	اِفْتِعَالُ: کشف کردن	ا، ت
اِنْفَعَلَ	اِنْفَعَلَ: بُریده شد	يَنْفَعِلُ: بُریده می شود	اِنْفَعِلْ: بُریده شو	اِنْفِعَالُ: بُریده شدن	ا، ن
تَفَعَّلَ	تَفَعَّلَ: یاد گرفت	يَتَفَعَّلُ: یاد می گیرد	تَفَعَّلْ: یاد بگیر	تَفَعُّلُ: یاد گرفتن	ت، تکرار حرف
تَفَاعَلَ	تَفَاعَلَ: آشنا شد	يَتَفَاعَلُ: آشنا می شود	تَفَاعَلْ: آشنا شو	تَفَاعُلُ: آشنا شدن	ت، ا
اَفْعَلَ	اَفْعَلَ: نیکی کرد	يُفْعِلُ: نیکی می کند	اَفْعِلْ: نیکی کن	اِفْعَالُ: نیکی کردن	ا
تَفَعَّلَ	فَعَلَ: یاد داد	يُعَلِّمُ: یاد می دهد	فَعَلْ: عَلِّمْ	تَفَعُّلُ: تَعْلِيمُ	تکرار حرف
مُفَاعَلَةٌ	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	فَاعِلْ: جَالِسْ	مُفَاعَلَةٌ: همنشینی کردن	ا



۱- هر فعلی که در جدول باشد، آن فعل هتما ثلاثی مزید است و از روی وزن آن می توان فهمید از چه بابی

است و هم می توان ماضی، مضارع، امر و مصدر آن ها را بر اهتی پیدا کرد. مثال:

**فعل «أَحْسَنَ» ثلاثی مزید است** زیرا بر وزن «أَفْعَلَ» است و این وزن در جدول فوق وجود دارد پس مزید است

ماضی باب افعال است و به راحتی می توان مضارع، امر و مصدر آن را بیابیم. (أَفْعَلَ «أَحْسَنَ»، يُفْعِلُ «يُحْسِنُ»)

أَفْعِلْ «أَحْسِنَ»، اِفعال «إِحسان»

ثلاثی مجرد

چرا؟

ثلاثی مزید

اِسْتَحْدَمَ

✓ فعل «عَلِمَ» ثلاثی مجرد است زیرا بر وزنِ «فَعِلَ» است و این وزن در جدول فوق وجود ندارد.

۲. ملاک تعیین تعداد حروف زائد در این باب‌ها «اولین صیغه ماضی: سوم شفص مفرد» از فعل مورد نظرشان می‌باشد. مثال:

يَتَعَلَّمُونَ: با توبه به تَعَلَّمَ: ۲ حرف زائد دارد.

این فعل‌ها در سه گروه قابل تقسیم بندی هستند:

گروه اول ۱+۳ دارای یک حرف زائد: افعال ← أَجَلَسَ  
تفعیل ← حَسَّنَ  
مفاعلة ← كَاتَبَ

(مزید بحرف واحد)

گروه دوم ۲+۳ دارای دو حرف زائد: افتعال ← إِحْتَرَمَ  
انفعال ← انْقَلَبَ  
تفعّل ← تَجَنَّبَ  
تفاعل ← تَكَاتَبَ

مزید بحرفین (لَهُ حَرَفَانِ زَائِدَانِ)

گروه سوم ۳+۳ دارای سه حرف زائد: استفعال ← اسْتَخْرَجَ

مزید ثلاثة حروف (أَحْرَف)

۳. تعداد حروف زاید باب‌ها را فقط کنید (در هر فعلی و در هر صیغه ای که باشند)

- باب‌های افعال و تفعیل و مفاعله = ۱ حرف زاید دارند (لَهُ حَرْفٌ زَائِدٌ)

- باب‌های انتعال، انفعال، تنفّل و تناعل = ۲ حرف زائد دارند (لَهُ حَرَفَانِ زَائِدَانِ)

- باب استفعال = ۳ حرف زائد دارد (لَهُ ثَلَاثَةُ حُرُوفٍ «أَحْرَف»)



برای تشخیص ماضی از امر باب‌های ثلاثی مزید به جز دو باب «تَفَعَّلُ» و «تَفَاعُلُ» به عین الفعل «دومین حرف اصلی» این افعال نگاه می‌کنیم. اگر عین الفعل فتحه «َ» داشت فعل ماضی است ولی اگر عین الفعل کسره «ِ» داشت فعل امر است:

جاهدوا: فعلٌ ماضٍ: جهاد کردند

جاهدوا: فعلٌ امرٌ: جهاد کنید



برای راحت‌تر پیدا کردن باب افعال ثلاثی مزید، آن‌ها را به صیغهی اولشان «سوم شخص مفرد» درمی‌آوریم:

برای آوردن فعل مضارع به صیغهی اولش «سوم شخص مفرد»، علامت‌های «تینا» اول فعل را به «ی» تبدیل می‌کنیم بدون این‌که حرکت آن را تغییر دهیم و بعد علامت‌های «ون-ان-ین-ن» آخر فعل را حذف کرده به آخر فعل، ضمه «ُ» می‌دهیم:

تُقَاتِلُونَ ← تبدیل تبه ی ← يُقَاتِلُونَ ← حذف «ون» ← يُقَاتِلُ ← بر وزن ← يُفَاعِلُ ← از باب ← مُفَاعَلَةٌ

برای آوردن فعل ماضی به صیغهی اولش، ابتدا علامت‌های آخر فعل (بعد آخرین حرف اصلی) را حذف کرده سپس به آخر فعل فتحه «َ» می‌دهیم:

قَاتِلُوا ← حذف علامت‌های آخر ← قَاتِلْ ← بر وزن ← فَاعِلْ ← از باب ← مُفَاعَلَةٌ

برای آوردن فعل امر حاضر به صیغهی اولش، ابتدا علامت‌های آخر فعل (بعد آخرین حرف اصلی) را حذف کرده سپس به آخر فعل، سکون «ْ» می‌دهیم:

قَاتِلُوا ← حذف علامت‌های آخر ← قَاتِلْ ← بر وزن ← فَاعِلْ ← از باب ← مُفَاعَلَةٌ



برای این‌که باب یک فعل به دست بیاید به ترتیب به جای حروف اصلی فعل کلمات «ف»، «ع»، «ل» قرار می‌دهیم و بابش را به دست می‌آوریم:

يَسْتَمِعُ ← حروف اصلی ← سَمِعَ ← بر وزن ← يَفْتَعِلُ ← از باب ← اِفْتِعَالٌ

اِنْتَخَبَ ← حروف اصلی ← نَخِبَ ← بر وزن ← اِفْتَعَلَ ← از باب ← اِفْتِعَالٌ



تنها امری که همزه‌اش با فتحه «ـَ» شروع می‌شود امر باب «إفعال» است:

تُكْرِمُونَ ← امرآن ← أَكْرِمُوا



اصولاً هر فعلی با حرف «ت» شروع شود فعل مضارع است به جز دو وزن «تَفَعَّلَ» و «تَفَاعَلَ» که ماضی هستند.

تَعَلَّمَ: یاد گرفت ، تَشَابَهَ: همانند شد

در تعیین مجرد یا مزید بودن فعل هایی که حرف آخر آنها مشدد ( دارای تشدید ) است، ادغام را بشکنید یعنی دو حرف ادغام شده را در ذهن خود جدا کنید تا راحت تر به وزن آن دست پیدا کنید .

✓ برای مثال، فعل « يُحِبُّ » در اصل « يُحِبُّ بِرِ وَزْنِ يُفَعِّلُ » است بنابراین از باب افعال می باشد.

✓ فعل هایی ماضی مانند « اِسْتَمَرَّ » در اصل ، اِسْتَمَرَّرَ بِرِ وَزْنِ اِسْتَفْعَلَ بوده که دو حرف هم جنس در یکدیگر ادغام شده اند و مضارع آن به صورت یَسْتَمِرُّ می باشد که در اصل یَسْتَمِرُّ بِرِ وَزْنِ یَسْتَفْعَلُ بوده است . همچنین فعل هایی ماضی مانند « اِهْتَمَّ » در اصل ، اِهْتَمَمَ بِرِ وَزْنِ اِفْتَعَلَ می باشد که مضارع آن یَهْتَمُّ ( در اصل ، یَهْتَمَّمُ ) می باشد :

اِسْتَمَدَّ يَسْتَمِدُّ اِسْتِمْدَاد ( استفعال ) اِهْتَمَّ يَهْتَمُّ اِهْتِمَام ( افتعال )

اِسْتَرَدَّ يَسْتَرِدُّ اِسْتِرْدَاد ( استفعال ) اِنْصَمَّ يَنْصَمُّ اِنْصِمَام ( انفعال )

اِسْتَقَرَّ يَسْتَقِرُّ اِسْتِقْرَار ( استفعال ) اِسْتَعَدَّ يَسْتَعِدُّ اِسْتِعْدَاد ( استفعال )

## معانی افعال ثلاثی مزید:

۱. باب افعال و باب تفعیل: تعدیه «متعدی کردن»

هر گاه فعلی، لازم باشد یعنی مفعول به نداشته باشد و در جواب "چه کسی را"، "چه چیزی را" نیاید و به باب «إفعال» یا «تفعیل» برود اصولاً این فعل متعدی می شود یعنی باید آن را طوری ترجمه کرد که در جواب «چه کسی را» یا «چه چیزی را» بیاید:

**مثال ۱:** خَرَجَ ← <sup>بردن به باب «إفعال»</sup> <sub>ماضی باب إفعال «أَفْعَلُ»</sub> أَخْرَجَ  
خارج شد      لازم  
خارج کرد      متعدی

**مثال ۲:** فَرِحَ ← <sup>بردن به باب «تفعیل»</sup> <sub>ماضی باب تفعیل «فَعَّلَ»</sub> فَرَّحَ  
شاد شد      لازم  
شاد کرد

۲. معنای باب «مُفَاعَلَةٌ» و «تَفَاعُلٌ» مشارکت است که باب مُفَاعَلَةٌ دلالت بر مشارکت یک طرفه دارد و باب تَفَاعُلٌ دلالت بر مشارکت دوطرفه دارد:

در ترجمه‌ی باب تَفَاعُلٌ بیش‌تر از کلمات «با هم - با همدیگر» استفاده می‌شود:  
يَتَفَاتَلُ الْأَعْدَاءُ: دشمنان با هم می‌جنگند.

در ترجمه‌ی باب مُفَاعَلَةٌ از کلمه‌ی «با» استفاده می‌شود.  
قَاتَلَ النَّاسُ الْأَعْدَاءَ: جنگیدند مردم با دشمنان

۳. معنای باب «استفعال» طلب و درخواست است:  
اسْتَعْفَرَ: طلب آمرزش کرد

۴. **باب انفعال:** فعل‌هایی که از این باب هستند، پس طوری ترجمه می‌شوند که نیازی به **مفعول** نداشته باشند:

انْبَعَثَ: فرستاده شد      فرستاد      /      انْقَطَعَ: قطع کرد      قطع شد

۵. **باب تفعّل:** معمولاً در ترجمه فعل‌های این باب از فعل «شد» استفاده می‌کنیم: (تا جایی که امکان دارد مفعول نگیرد)

تَغَيَّرَ: عوض شد      عوض کرد      /      تَخَلَّصَ: رها کرد      رها شد      /      تَجَمَّعَ: جمع شد      جمع کرد

البته در مواردی، این نوع ترجمه جواب نمی‌دهد (باید با بیشتر فعل‌های مزید آشنا شد)

تَعَلَّمَ: یاد گرفت      تَعَجَّبَ: تعجب کرد      تَكَلَّمَ: صحبت کرد



۱- هر فعل مزیدی در ماضی، مضارع، امر، و یا مصدر حرف دوم و سومش به ترتیب «ت» باشد از باب افعال است نه

انفعال [بجز کلمه «انتاج» که از باب افعال است]

نَتَظَرُ - يَنْتَقِمَنَّ - لَا تَنْتَشِرُوا - سَوْفَ يَنْتَهَبُونَ (همگی از باب افعال اند نه انفعال)

دقت کنید که حرف نون در آنها حرف اصلی آن کلمه است.

۲- کلماتی همچون «ایمان - ایهام - ایجاز - ایراد...» همگی از باب افعال هستند.

۳- فعل های مشابه و هم وزن «تَحَمَّلُوا» در این صیغه، هم می توانند ماضی و هم امر باشند.

(این حالت در دو باب تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ روی می دهد) برای تشخیص ماضی و امر بودن هر یک از این دو فعل باید به

کلمات قبل یا بعد از آنها دقت کنیم: ۱- أَيُّهَا النَّاسُ! تَفَكَّرُوا (امر است) ای مردم! بیندیشید.

۲- هَؤُلَاءِ النَّاسُ تَفَكَّرُوا (ماضی است) این مردم اندیشیدند.

یه سوال: در عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» فعل مشخص شده ماضی است یا امر؟



اگر فعلی با «آء، یت» شروع شود، از باب التعال است: اتَّحَدَّ، يَتَّصِلُونَ



به ماضی و مضارع و امر و مصدر باب های تَفَعَّلَ، تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ و مفاعلة خیلی دقت کنید (چون خوارک تست

سازی هستند).

- عَيْنُ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ.

(۱) تَعَوَّدَ النَّاسُ أَنْ يَعْمَلُوا الْحَسَنَاتِ! (۲) تَعَوَّدَ نَفْسَكَ عَلَى اسْتِفَادَةِ مَنْ فُرْصَةِ الْخَيْرِ!

(۳) تَقَدَّمَ الْمَجْتَمَعَاتُ الْبَشَرِيَّةُ لَا يَتَحَقَّقُ إِلَّا بِالسَّعْيِ وَالْعَمَلِ! (۴) تَقَدَّمَتِ الْمَجْتَمَعَاتُ الْبَشَرِيَّةُ بِابْتِعَادٍ عَنِ التَّكَاسُلِ وَالْيَأْسِ!

پاسخ:

(۱) مردم عادت کردند که کارهای نیک انجام دهند. ← **تَعَوَّدَ: فعل ماضی**

(۲) خودت را به استفاده از فرصت‌های نیک عادت بده. ← **تَعَوَّدَ: فعل امر**

(۳) پیشرفت جامعه‌های بشری محقق نمی‌شود مگر با تلاش و کار. ← **تَقَدَّمَ: اسم است** پس جمله داده شده، **جمله اسمیه**

است.

(۴) جوامع بشری با دوری از تنبلی و ناامیدی پیشرفت کردند ← **تَقَدَّمَت: فعل ماضی** و نشانه آن تاء کشیده (ت) آخر آن است.

برای اینکه برونید  
تکنیک یعنی چه ؟  
روی این تست  
تمرکز کنید...

- عین الفعل من باب «تفعل»: [ علامت گذاری هم نشده است؟! ]

(۱) أعمالنا الحسنة تحول سيئاتنا إلى الحسنات!

(۲) في حديثنا تحول الورد إلى فواكه لذيذة!

(۳) إن الطبيعة في الربيع تحول المحزون إلى المسرور!

(۴) قدرة الإنسان تحول الحديد و النحاس إلى سداً

عظیم!

(۲۳) جمع بندی مفید :

✓ دو تا باب داریم که وسطشون ( ا ) دارند ( مفاعله و تفاعل ) ⇐ تفاعل ( ت ) داره ولی مفاعله نداره .

✓ دو تا باب داریم که وسطشون **تشدید** دارند ( تفعیل و تفعل ) ⇐ تفعل ( ت ) داره ولی تفعیل نداره .

✓ سه تا باب داریم که تو مضارع اولشون با ضمه ( -- ) شروع میشن و یه دونه حرف زائد دارند ( تفعیل - مفاعله - افعال )

✓ **انیت** ⇐ افعال      ~~انیت~~ ⇐ انفعال

✓ **است** ⇐ ( س جزو ریشه بود ، افعال وگرنه استفعال )

دقت کنید : فعل‌های مجرد با رفتن به باب‌های مزید معانی جدیدی پیدا می‌کنند:

**سَمِعَ: شنید (مجرد ثلاثی)**      **اِسْتَمَعَ: گوش داد (مزید ثلاثی من باب افتعال)**

📌 **توجه مهم:** ترجمه افعال صفحات بعدی را دقیقاً به خاطر بسپارید .



راست گفت	ثلاثی مجرد	صَدَقَ ( يَصْدُقُ )
باور کرد	باب تفعیل	صَدَّقَ ( يُصَدِّقُ )
رو راست بود، به دوستی گرفت	باب مفاعله	صَادَقَ ( يُصَادِقُ )
صدقه داد	باب تفعّل	تَصَدَّقَ ( يَتَصَدَّقُ )

پذیرفت	ثلاثی مجرد	قَبَلَ ( يَقْبَلُ )
روی آورد	باب افعال	أَقْبَلَ عَلَى
به سوی او رفت	باب افعال	أَقْبَلَ إِلَيْهِ
دست به کار شد	باب افعال	أَقْبَلَ عَلَى الشَّيْءِ
بوسید	باب تفعیل	قَبَّلَ ( يُقَبِّلُ )
رو به رو شد	باب مفاعله	قَابَلَ ( يُقَابِلُ )
دو مرد با یکدیگر روبرو شدند	باب تفاعل	تَقَابَلَ الرَّجُلَانِ
بر عهده گرفت	باب تفعّل	تَقَبَّلَ ( يَتَقَبَّلُ )
به پیشواز رفت، استقبال کرد	باب استفعال	اسْتَقْبَلَ ( يَسْتَقْبِلُ )

راند	ثلاثی مجرد	دَفَعَ ( يَدْفَعُ )
دفاع کرد	باب مفاعله	دَافَعَ ( يُدَافِعُ )
روانه شد	باب انفعال	إِنْدَفَعَ ( يَنْدَفِعُ )

کشت	ثلاثی مجرد	قَتَلَ ( يَقْتُلُ )
جنگید با	باب مفاعله	قَاتَلَ ( يُقَاتِلُ )

سالم ماند	ثلاثی مجرد	سَلِمَ ( يَسْلَمُ )
اسلام آورد	باب افعال	أَسْلَمَ ( يُسْلِمُ )
سلامتی دهد به تو ( در مقام دعا )	باب تفعیل	سَلَّمَ
سلام کرد بر	باب تفعیل	سَلَّمَ عَلَى
دریافت کرد	باب افتعال	اسْتَلَمَ ( يَسْتَلِمُ )
تسلیم شد	باب استفعال	اسْتَسَلَّمَ ( يَسْتَسَلِمُ )

کار کرد	ثلاثی مجرد	عَمِلَ ( يَعْمَلُ )
رفتار کرد	باب مفاعله	عَامَلَ ( يُعَامِلُ )
داد و ستد کرد	باب تفاعل	تَعَامَلَ ( يَتَعَامَلُ )
به کار گرفت	باب استفعال	اِسْتَعْمَلَ ( يَسْتَعْمِلُ )

کوشید، سعی کرد	باب مفاعله	حَاوَلَ ( يُحَاوِلُ )
دگرگون کرد	باب تفعیل	حَوَّلَ ( يُحَوِّلُ )
دگرگون شد ، متحول شد	باب تفاعل	تَحَوَّلَ ( يَتَحَوَّلُ )
واگذار کرد به ، ارجاع داد به	باب افعال	أَحَالَ إِلَى

دید	ثلاثی مجرد	رَأَى ( يَرَى )
نشان داد	باب افعال	أَرَى ( يُرَى )

آمد	ثلاثی مجرد	أَتَى وَ جَاءَ « لازم »
داد ، عطا کرد	باب مفاعله	أَتَى
آورد	ثلاثی مجرد	أَتَى بـ وَ جَاءَ بـ « متعدی »

آمرزید ، بخشید	ثلاثی مجرد	عَفَرَ ( يَغْفِرُ )
طلب آمرزش کرد ، آمرزش خواست	باب استفعال	اِسْتَعْفَرَ ( يَسْتَعْفِرُ )

صبر کرد	ثلاثی مجرد	صَبَرَ ( يَصْبِرُ )
پایداری کرد	باب مفاعله	صَابَرَ

افزود	ثلاثی مجرد	زَادَ
زیاد شد	باب افتعال	إِزْدَادَ
مجهز ساخت	باب تفعیل	زَوَّدَ

حَمَل	ثلاثی مجرد	حمل کرد ، برد
حَمَلَ عَلَى	باب تفعیل	تحمیل کرد بر
تَحَمَّلَ	باب تفعّل	تحمّل کرد

عَلِمَ	ثلاثی مجرد	دانست
أَعْلَمَ	باب افعال	یاد داد ، فهماند
عَلَّمَ	باب تفعیل	یاد داد
تَعَلَّمَ	باب تفعّل	یاد گرفت ، علم آموخت
اِسْتَعْلَمَ	باب استفعال	جویا شد

كَبَّرَ	ثلاثی مجرد	بزرگ شد
كَبَّرَ	باب تفعیل	بزرگ داشت
تَكَبَّرَ	باب تفعّل	خودخواهی کرد
اِسْتَكَبَّرَ	باب استفعال	سرکشی کرد

خَلَقَ	اسم	آفرینش
خُلِقَ	اسم	خوی و منش
تَخَلَّقَ	باب تفعّل	آراسته شد

قَامَ	ثلاثی مجرد	برخاست
قَامَ بِـ	ثلاثی مجرد	پرداخت
قَامَ عَلَى	ثلاثی مجرد	استوار بود
قَامَ عَلَى الصِّفَا	ثلاثی مجرد	ایستاد
أَقَامَ	باب افعال	برپاداشت

عَادَ	ثلاثی مجرد	برگشت
تَعَوَّدَ	باب تفعّل	عادت کرد

افتاد	ثلاثی مجرد	وقع علی
انداخت ، سرنگون ساخت	باب افعال	أَوْقَعَ

رسید	ثلاثی مجرد	وَصَلَ
رساند	باب افعال	أَوْصَلَ
ادامه داد	باب مفاعله	وَاصَلَ
تماس گرفت	باب افتعال	اتَّصَلَ بِ

انداخت	باب افعال	أَلْقَى
برخورد کرد	ثلاثی مجرد	لَقِيَ
می بینی	ثلاثی مجرد	تَلَقَى
دریافت کرد	باب تفعّل	تَلَقَّى

نشست	ثلاثی مجرد	جَلَسَ ( يَجْلِسُ )
نشاند	باب افعال	أَجْلَسَ ( يُجْلِسُ )
با او نشست	باب مفاعله	جَالَسَهُ
همنشینی کرد	باب تفاعل	تَجَالَسَ ( يَتَجَالَسُ )

شناخت ، دانست	ثلاثی مجرد	عَرَفَ
آشنا شد	باب تفعّل	تَعَرَّفَ ( يَتَعَرَّفُ )
یکدیگر را شناخت / شناختند	باب تفاعل	تَعَارَفَ ( يَتَعَارَفُ )
شناساند	باب افعال	أَعْرَفَ ( يُعْرِفُ )
اعتراف کرد	باب افتعال	إِعْتَرَفَ
معرفی کرد	باب تفعیل	عَرَّفَ عَلَيَّ

نوشت	ثلاثی مجرد	كَتَبَ
یکطرفه نامه نگاری کرد	باب مفاعله	كَاتَبَ
دوطرفه نامه نگاری کردند	باب تفاعل	تَكَاتَبَ

برگشت	ثلاثی مجرد	رَجَعَ ( يَرْجِعُ )
دوره کرد ، مرور کرد ، مراجعه کرد	باب مفاعله	رَاجَعَ ( يُرَاجِعُ )
پس گرفت	باب استفعال	اِسْتَرْجَعَ ( يَسْتَرْجِعُ )
بازگرداند	باب افعال	اَرَجَعَ ( يُرْجِعُ )

بیرون رفت	ثلاثی مجرد	خَرَجَ
بیرون آورد	باب افعال	اَخْرَجَ
بیرون آورد ، استخراج کرد	باب استفعال	اِسْتَخْرَجَ
دانش آموخته شد ، فارغ التحصیل شد	باب تفعّل	تَخَرَّجَ

فهمید	ثلاثی مجرد	فَهِمَ
فهماند	باب تفعیل	فَهَّمَ
درک متقابل داشتن	باب تفاعل	تَفَاهَمَ
طلب درک و فهم نمود	باب استفعال	اِسْتَفْهَمَ

نجات یافت	ثلاثی مجرد	نَجَى
نجات داد	باب تفعیل	نَجَّى
راز و نیاز کرد	باب مفاعله - تفاعل	نَاجَى وَتَنَاجَى
نجات خواست	باب استفعال	اِسْتَنَجَى

ظاهر شد	ثلاثی مجرد	ظَهَرَ
ظاهر کرد	باب افعال	اَظْهَرَ
تظاهر کرد	باب تفاعل	تَظَاهَرَ بِـ

باز کرد	ثلاثی مجرد	فَتَحَ
باز شد	باب انفعال	اِنْفَتَحَ

پایین آمد ، پیاده شد	ثلاثی مجرد	نَزَلَ
نازل کرد ، پیاده کرد	باب افعال	أَنْزَلَ
فرود آورد ، پیاده کرد	باب تفعیل	نَزَّلَ

سود رساند	ثلاثی مجرد	نَفَعَ
از ... سود برد	باب افتعال	انْتَفَعَ بِـ

پیدا کرد	ثلاثی مجرد	وَجَدَ
پدید آورد	باب افعال	أَوْجَدَ
وجود دارد	باب افعال	يُوجَدُ « مجهول »

نگاه کرد	ثلاثی مجرد	نَظَرَ
منتظر شد	باب افتعال	انْتَبَهَرَ

فرستاد	ثلاثی مجرد	بَعَثَ
فرستاده شد	باب انفعال	انْبَعَثَ

جمع کرد	ثلاثی مجرد	جَمَعَ
جمع شد	باب تفعّل	تَجَمَّعَ
جمع شد	باب افتعال	اجْتَمَعَ

خوشنود کرد	باب افعال	أَعْجَبَ
خودپسند شد ، خودشیفته گردید	باب افعال	أَعْجَبَ بِنَفْسِهِ
تعجب کرد	باب تفعّل	تَعَجَّبَ

خواهان و دوستدار او شد	ثلاثی مجرد	رَغِبَ فِيهِ
از او بیزار شد	ثلاثی مجرد	رَغِبَ عَنْهُ
او را بر دیگران ترجیح داد ، برگزید	ثلاثی مجرد	رَغِبَ بِهِ عَنِ غَيْرِهِ
تضرع و زاری کرد	ثلاثی مجرد	رَغِبَ إِلَيْهِ

۱- ما هُوَ الأَبوابُ الصَّحِيحةُ للأفعالِ التَّالِيَةِ؟ «إِنْتَقَمْنَا، أَرْسَلْنَا، تَقَدَّسُوا»

(۱) افتعال، إفعال، تفعيل (۲) إفتعال، تفعيل، تفعل (۳) افتعال، إفعال، تفعل (۴) انفعال، إفعال، تفعيل

۲- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ أَبْوَابِ الأفعالِ:

(۱) نحن نستمع إلى كلام المعلم تعلمًا للدرس (استفعال) (۲) عليكم أن تنتهزوا اكتساب التجارب (افتعال)  
(۳) انتصر المجاهدون مع قائدهم في القتال (انفعال) (۴) أيها المؤمنون! تعاونوا على الإحسان بالفقراء (مفاعلة)

۳- «إِنْتَبَهَ» از چه بابی است؟

(۱) افتعال (۲) انفعال (۳) إفعال (۴) تَفَعَّلَ

۴- عَيِّنِ الخَطَأَ:

(۱) إِنْتَصَرَ الشَّعْبُ أخيراً (افتعال) (۲) إِنْتَخَبَ بَيْنَ هَذَيْنِ الأَمْرَيْنِ (انفعال)  
(۳) إِنْتَشَرَ المَرَضُ في المَدِينَةِ (افتعال) (۴) إِنْتَقَمْنَا مِنَ العَدُوِّ (افتعال)

۵- عَيِّنِ الخَطَأَ في تحديد الباب:

(۱) لا تَقْتَرِبْ مِنِّي أَيُّهَا الوَحْشُ : افتعال (۲) سَارَتُّبُ كَتَبِي و سَأُنظِّفُ عُرفَتِي : تفعيل  
(۳) الأَطْبَاءُ يُعالِجُونَ المَرَضَى في المُسْتَشْفِيَّاتِ : مفاعلة (۴) نحن نَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ : تفعيل

۶- عَيِّنِ الخَطَأَ:

(۱) لا تُزَعِجِي هذا الصَّغِيرَ (إفعال) (۲) لا تَتَكَلَّمْ عَن هذا الموضوع (تفعيل)  
(۳) عليك أن تَبْدُلَ مَلابِسَكَ (تفعيل) (۴) أنا أَعْتَقِدُ أَنَّهُ شَخْصٌ حَنُونٌ جَدًّا (افتعال)

۷- عَيِّنِ الخَطَأَ:

(۱) اسْتَمِعْ لِمَا أَقول لَكَ (استفعال) (۲) هُم يَتعاونونَ لِبِناءِ مَجمَعٍ مَتطوِّرٍ (تفاعل)  
(۳) العَمالُ يَسْتخرِجونَ النَفْطَ مِنَ باطنِ الأَرْضِ (استفعال) (۴) هذا الطائِرُ يُغَرِّدُ في الصَّباحِ (تفعيل)

۸- عَيِّنِ الخَطَأَ:

(۱) بدأ المجرمون يلاحقونا (مفاعلة) (۲) هل يُمكنُ أن أَسْتَعيرَ هذا الكِتابَ؟ (إفعال)  
(۳) إنَّهم لَم يَتَعدوا كَثيراً (إفتعال) (۴) قَبْلَ كُلِّ صَلاةٍ، يَتَوَضَّأُ المُسلمونَ (تفعيل)

۹- عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

(۱) مَنْ أنتَ؟ و لِمَذا أَقَدتَ حَياتي؟ (انفعال) (۲) كُنْتُ تُرافِيقِي والدتي، أليسَ كَذلكَ؟ (تفاعل)  
(۳) حَاولْ مرَّةً أُخرى. أنا مَتاكَدُّ أَنكَ سَتَنجِحُ (مفاعلة) (۴) إِنْتَبِهْ لَصَحَّتِكَ يا عَزيزي (انفعال)

۱۰- عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ الأفعالِ:

(۱) تَكَلَّمَ التَّلَامِيذُ قَبْلَ حُضورِ المُعَلِّمِ : الفعل المضارع (۲) تَعَلَّموا العِلْمَ وَ تَواضَعوا لِمَنْ تَتَعَلَّمونَ مِنْهُ : الفعل الماضي  
(۳) تَعاشَروا كالإخوانِ وَ تَعاملوا كالأجانبِ: « مصدره مُعامَلَةٌ » (۴) «أَدْخِلْنَا في رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»: الفعل الأمر

## ۱۱- عین الفعل من باب «تفعل»:

(۱) أعمالنا الحسنة تحوّل سيئاتنا إلى الحسنات!

(۲) في حديقتنا تحوّل الورد إلى فواكه لذيذة!

(۳) إنّ الطبيعة في الربيع تحوّل المحزون إلى المسرور!

(۴) قدرة الإنسان تحوّل الحديد و النحاس إلى سدّ عظيم!

## ۱۲- عین الصحيح عن أبواب الأفعال:

(۱) إنتخبب الصياد أحد ساكني الجزيرة و هو خيرٌ بالمسالكِ. (انفعال)

(۲) أنشدت أبياتاً جميلةً حوّل معلّمي الذي دافع عن دينه. (إفعال)

(۳) أيّها المعلّم! متى توزّع أوراق الامتحان. (تفعل)

(۴) يا طالباتي! أنفقن بما عندكنّ في سبيل الله. (انفعال)

## عين الصحيح في التحليل الصرفي:

«هؤلاء يمرون بمواقف تُضيع منهم أوقاتاً كثيرة» (سراسری خواجه از کشور ۹۹ با تغییر)

## ۱۳- تُضيع

(۱) للمفرد - المؤنث الغائب (= للغائبة) حروف الأصلية «ض ي ع» و الحرفان الزائدان «ت ي»

(۲) فعل مضارع - المفرد المذكر المخاطب - ماضية «ضيع» و مصدره «تضييع» من باب تفعيل

(۳) فعل مضارع - حروف الأصلية ثلاثة و له حرفان زائدان (=مزيد ثلاثي)

(۴) مضارع - للمؤنث الغائب - له حرف زائد من وزن «فعل»

«تُشاهد أحياناً في وسط الصحراء مناطق فيها نباتات و أشجار» (تجربی ۹۸ با تغییر)

## ۱۴- تُشاهد:

۱- مضارع - مزيد ثلاثي (من وزن «تفاعل»)

۲- مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ش ه د)

۳- فعل مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي (من وزن «فاعل» و مصدره «مفاعلة»)

۴- فعل مضارع - للغائبة - (حروفه الأصلية: ش ه د)



تَظْهَرُ أنواع كثيرة من الأزهار الجميلة في بعض المناطق الصحراوية بعد الأمطار الشديدة»

۱۵- «تَظْهَرُ»:

۱- فعل مضارع - للمخاطب - مزيد ثلاثي «مصدره إظهار»

۲- مضارع - للغائبة - مجرد ثلاثي (مصدره: ظُهور)

۳- مضارع - للغائبة - مجرد ثلاثي (مصدره: تَظَاهَر)

۴- فعل مضارع - للمخاطب - مجرد ثلاثي (مصدره: إظهار)

«حينما نذهب إلى المناطق الحارة قد نشاهد مناظر جذابة من بعيد» **رياضی ۹۸**

۱۶- «نُشَاهِدُ»

۱) مزيد ثلاثي (حروفه الأصلية: ن ش ه) ۳) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من وزن «فاعل»)

۲) مضارع - للمتكلم مع الغير - مجرد ثلاثي ۴) للمتكلم وحده - مزيد ثلاثي (مصدره: مشاهدة، من وزن مفاعلة)

در ضبط حرکات تا  
اطلاع ثانویه به درستی  
حرکت عین الفعل نگاه  
کنید!!!

۱۷- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي قِرَاءَةِ الْكَلِمَاتِ مِنَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

۱) تَسَاقَطُ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ لَيْسَ أَمْرًا طَبِيعِيًّا! ۲) ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَنظِّرِينَ﴾!

۳) ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْجَمَهُ كَالدَّرَرِ الْمُتَشَرِّعِ! ۴) يَجْرِي أَجْرُ اسْتِغْفَارِ الْوَلَدِ لِلْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا!

۱۸- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: **مجموعه انسانی داخله ۹۸**

۱) يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاحْتِيَالِهِ! ۲) لِكُلِّ اخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَابْتِكَارٍ وَجَهٌ نَافِعٌ وَوَجَهٌ مُضِرٌّ!

۳) يَتَمُّ التَّوَازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ رَوَابِطٍ مُتَدَاخِلَةٍ! ۴) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشِرُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايِشًا سَلْمِيًّا!

۱۹- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: **هنرم ۹۸**

۱) أَمْرُهُمْ ذُو الْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَالنُّحَاسِ! ۲) مَنْ لَا يَسْتَمِعَ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْامْتِحَانِ!

۳) عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ! ۴) أَتَذَكَّرُ خِيَامَ الْحُجَّاجِ فِي مَنَى وَعَرَافَاتِ وَرَمَى الْجَمْرَاتِ!

۲۰- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ: **اختصاصی معارف خارج ۹۸**

۱) لَا يَسْتَطِيعُ الْكَذَّابُ أَنْ يُخْفِيَ كِذْبَهُ أَوْ يُنْكِرَهُ! ۲) التَّمْسَاحُ بَعْدَ أَنْ يَتَنَاوَلَ طَعَامَهُ يَسْتَرِيحُ عَلَى الشَّاطِئِ!

۳) كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ وَوَعَدَ لِسَانَكَ لِيْنَ الْكَلَامِ! ۴) إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ!

۲۱- عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات: سراسری تجربی، ۹۸

۱- تَجْتَهَدُ الْأُمُّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا إِجْتِهَادًا بِالْعَمَلِ!

۲- حَاوَلَ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ!

۳- لِأَنَّ الْكُتُبَ تَجَارِبُ الْأُمَمِ عَلَى مَرِّ آلَافِ السِّنِينَ!

۴- شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاحٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ!

۲۲- عین الخطأ في ضبط الحركات:

(۱) الْقُرْآنُ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسُبُّوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ!

(۲) اِعْتَصَمَ الْمُسْلِمُونَ بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ مَا تَفَرَّقُوا!

(۳) الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا!

(۴) هُوَ يُحَاوَلُ مُحَاوَلَةً كَثِيرَةً لِإِجَادِ التَّفْرِيقِ بَيْنَ الصُّفُوفِ الْمُسْلِمِينَ!

۲۳- عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات: زبان خارج ۹۸۵

(۱) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكْسَرَةً! (۲) الْكَأْسُ زُجَاجَةٌ يُشْرَبُ فِيهَا الْمَاءُ أَوْ الشَّايُّ أَوْ الْقَهْوَةُ!

(۳) إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ! (۴) فَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأُسْتَاذِ!

۲۴- عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات: عمومی ریاضی خارج کشور ۹۸۷

(۱) هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا! (۲) حِينَ زُرْتُ أَنَا وَ أُمِّي هَاتَيْنِ الْمَدِينَتَيْنِ الْمُقَدَّسَتَيْنِ!

(۳) كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّلَبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَمَسُ إِلَى الْوَرَاءِ! (۴) أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ»

۲۵- عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات: اختصاصی انسانی خارج کشور ۹۸۷

(۱) كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُورِ فِي خُورِزْسْتَانَ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ! (۲) تَمَنَّى هَذِهِ الْجَائِزَةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى مَنْ يُفِيدُ الْبَشَرِيَّةَ!

(۳) بَدَأَ الْفَلَّاحُ يُفَكِّرُ فِي سَبَبِ ذَلِكَ وَ يُرَاقِبُ الْمَزْرَعَةَ! (۴) سَمِعُ الدَّلْفِينَ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ!

۲۶- عین الخطأ في الحركات:

(۱) جَمَالَ الْعِلْمُ نَشْرُهُ وَ ثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ! (۲) جَذْوَةُ الشَّمْسِ مُسْتَعْرَةٌ وَ فِيهَا حَرَارَةٌ مُتَشْرِبَةٌ!

(۳) تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي الْأَنْهَارِ وَ الْبِحَارِ وَأَنْوَاعُهَا مُخْتَلِفَةٌ! (۴) إِنَّهُ جَاهِلٌ يُحَاوَلُ إِجَادَةَ التَّفْرِيقِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ!

تست ۲۷: عین ما فيه مصدرٌ مزيد: (سراسری ۹۸)

- (۱) لی صديق وفی تخرَج من المدرسة و الآن هو نجار حاذق!
- (۲) للعمل الصالح و الإيمان به كنزان لك، فزین نفسك بهما!
- (۳) إنتخب الصديق العاقل إن عدواته خيرٌ من صداقة الجاهل!
- (۴) تبتدى الدراسة فى العام الدراسى الجديد و يكثر الفرح و الصداقة بيننا!

تست ۲۸: عین العبارة التي ما جاء فيها مزيد ثلاثى من باب «استفعال»:

- (۱) (إِسْتَكْبَرَ هو و جنوده فى الأرض)
- (۲) لا تَسْتَسْلِمَ لمشقات الحياة!
- (۳) إِسْتَمَعَ أُويسَ أن والدته تَشْكُرُ هذه النعمة.
- (۴) إِسْتَخْرَجَ الإيرانيون النفط.

تست ۲۹: ما هو الصحيح عن فعل الأمر؟

- (۱) فعلُ أمرٍ مِنْ «تُعَلِّمِينَ» ← أَعَلِّمِي
- (۲) فعلُ أمرٍ مِنْ «تُخْرِجَانِ» ← أَخْرِجَا
- (۳) فعلُ أمرٍ مِنْ «تُدَبِّرْنَ» ← دَبِّرْنَ
- (۴) فعلُ أمرٍ مِنْ «تُقَدِّمُ» ← أَقَدِّمُ

تست ۳۰: عین ما ليس فيه الفعل المزيد:

- (۱) یا بنتی؛ أَنْفَقِي بما عندك إلى الفقراء و البائسين!
- (۲) سَارَجَعُ إلى مدينتى بعد سنوات طويلة كنت بعيداً عنها!
- (۳) یا صديقى؛ بَلِّغْ رسالتى إلى عمى الحنون فهو فى مكان بعيد!
- (۴) تَغَيَّرَتْ نظرتى حول الحياة بعد مشاهدة اجتهاد العلماء الكثير!

تست ۳۱: «إِسْتَقْبَلُوا منه و جيوشه العظيمة حتى يساعدوكم فى إغلاق هذا المضيق!»: (سراسری ۹۸)

- (۱) از او و سپاه عظیمش استقبال کردند تا به آنها در بستن این تنگه کمک کنند!
- (۲) از او و ارتش بزرگش استقبال کردند تا بتوانند شما را در بستن آن تنگه یاری کنند!
- (۳) از او و سپاه بزرگ او استقبال کنید تا شما را در بستن این تنگه کمک کنند!
- (۴) از او و ارتش بزرگش استقبال کنید تا شما در بستن این تنگه یاری شوید!